

دوشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۰ ۱۴ محرم الحرام ۱۴۴۳ ۲۳ آگوست ۲۰۲۱

اخبار

بیل، بنزما، هازارد؛

بازگشت مثلث BBH رنال؛ یک آتش‌بازی دیگر در راه است

پس از پیروزی در اولین دیدار فصل از لالیگا برابر آلوس در هفته گذشته، رنال مادرید با درخشش مثلث BBH خود به دنبال کسب سه امتیاز دیگر و شش امتیازی شدن در هفته دوم این رقابت ها برابر لوانته است.

سفیدها فصل جدید خود را با پیروزی چشمگیر ۴-۱ خارج از خانه مقابل آلوس در هفته گذشته آغاز کردند، در حالی که لوانته در اولین بازی خود در این فصل با کادیز به تساوی ۱-۱ دست یافت.

شاگردان پاکو لویز در فصل گذشته کوبا دل ری به نیمه نهایی رسیدند، اما در لیگ برای رسیدن به ثبات به مشکل بر خوردند و در پایان رقابت ها تنها هفت امتیاز از سه تیم سقوط کرده به دسته پایین تر، فاصله داشتند. لوانته جمعه گذشته در آستانه پیروزی مقابل کادیز قرار داشت و گل ۳۹ دقیقه ای خوزه لوئیس مورالس باعث برتری آنها در بیشتر دقیقای بازی شد، اما کادیز در دقیقه ۹۷ با زدن گل تساوی توانست یک امتیاز از این مسابقه بگیرد.

تیم لویز در آخرین دیدار دو تیم در ماه ژانویه موفق شد پیروزی ۱-۲ را مقابل مال مادرید ثبت کند. آنها همچنین در فصل ۲۰۱۹-۲۰ نیز نتوانستند رنال را ۱-۰ شکست دهند.

رنال مادرید شنبه هفته گذشته فصل جدید لالیگا خود را با بردی پر گل آغاز کرد و کریم بنزما با دو گل، ناچو و وینیسیوس جونیور از بین شاگردان کارلو آنچلوتی نام خود را در فهرست گلزنان ثبت کردند. سفیدها که فصل گذشته به نیمه نهایی چمپیونلیگ رسیدند، در لالیگا نیز دوم شدند و تنها دو امتیاز از اتلتیکو مادرید عقب بود. به نظر می‌رسد که این فصل نیز قرار است شاهد نبرد جذاب دیگری برای قهرمانی در لالیگا باشیم، مخصوصا که هر سه تیم مدعی قهرمانی، اتلتیکو مادرید، رنال مادرید و بارسلونا، فصل ۲۲-۲۰۲۱ را با برد آغاز کرده اند.

رنال مادرید تنها چهار بازی لیگ را در فصل گذشته باخت، اما سه تا از این باخت ها قبل از پایان ماه نوامبر رخ داد که در نهایت برابر آنها به قیمت قهرمانی تمام شد. در تابستان تغییرات گسترده ای در رنال رخ داده است؛ چهره های کلیدی مانند رافائل واران، زین الدین زیدان و سرخیو راموس باشگاه را ترک کرده اند، اما هنوز هم یک تیم بسیار با استعداد در برابنوی جوان می دهد.

در شروع فصل این تیم، حداقل روی کاغذ، از شانس خوبی برای قهرمانی برخوردار است و باید پیش از بازی خانگی مقابل وبارنال در پایان ماه سپتامبر، مقابل رنال بتیس، سلتاوِگو ، والنسیا و مایورکا به میدان برود. در همین حال در ماه اکتبر اولین ال کلاسیکوی فصل را شاهد خواهیم بود و رنالی ها در نوکمپ میهمان بارسلونا خواهند شد.

رنال مادرید فصل گذشته در دیدارهای خارج از خانه عالی بود و ۴۲ امتیاز را از ۱۹ بازی کسب کرد، عملکرد آنها در بازی قبل مقابل آلوس مطمئناً اعتماد به نفس را در اردوی رنال بالا خواهد برد.

برای رنال مادرید فرلان مندی، دنی سبایوس، تونی کروس و دنی کارواخال باز هم به دلیل مصدومیت غایب هستند، در حالی که لوکا مودریچ در تمرین روز جمعه دچار مشکل از ناحیه ران شد و قرار است او هم در این بازی غایب باشد.

تکلیف مارسلو همچنان مشخص نیست، بدین معنا که داوید الایا می تواند در پست دفاع چپ به کار خود ادامه دهد و در میلیتائو و ناچو به عنوان دو مدافع میانی عمل خواهند کرد. به نظر می‌رسد که گرت بیل در این دوره نقش مهمی برای غول های پایتخت اسپانیا داشته باشد و انتظار می رود ملی پوش ولزی جلوتر از کریم بنزما و اندن هازارد در نوک حمله رنال بازی کند.

همکاری این سه در بازی قبلی خیره کننده بود و انتظار می رود شاهد نمایش چشمگیر دیگری از این مثلث کشنده مادریدی با باشیم. کاسمیرو و فدریکو والورده مطمئنا در خط هافبک حضور خواهند داشت و غیبت مودریچ و کروس می تواند راه را برای حضور ایسکو برای در ترکیب اصلی باز کند.

«سوما» در لیست ملی ملی؛

امیدواری مهاجم خطرناک تیم ملی فوتبال سوریه برای بازی با ایران

مهاجم تیم ملی فوتبال سوریه خبر از بهبود شرایط خود برای بازگشت به مستطیل سبز داد. «عمر السوما» مهاجم تیم ملی فوتبال سوریه در دیدار الاهلی عربستان با حزم دچار آسیب دیدگی شد تا نتواند تا پایان مسابقه در زمین حاضر باشد. السوما در نقل قولی که از وی در نشریه «المیدان الریاضی عربستان» منتشر شد با بیان شرایط خود اظهار داشته است: خوشبختانه مشکل جدی ندارم و در یک کلینیک تخصصی در جده، درمان را آغاز کرده ام. خیلی زود باز می‌گردم و مشکلی نیست.

این بازیکن در فهرست بازیکنان تیم ملی سوریه که امروز اعلام شده قرار دارد و به نظر می رسد برای دیدار با تیم ملی ایران مشکلی نداشته باشد.

مهاجم تیم ملی سوریه که سابقه گلزنی به تیم‌های فوتبال باشگاهی و ملی ایران را در کارنامه خود دارد باید آماده دیدار نخست با شاگردان دراگان اسکوچیچ در مرحله انتخابی نهایی جام جهانی قطر باشد.

یوفا در سال ۲۰۱۷ تحقیقاتی را به ظن نقض قوانین فریلی مالی از سوی پی‌اس‌جی با خرید نیمار در رقم رکوردشکن ۲۲۲ میلیون یورو و همچنین جذب کیلیان امپایه به صورت قرضی با بند انتقال دائمی ۱۸۰ میلیون یورویی در همان پنجره نقل و انتقالی آغاز کرد. این تحقیقات، ۱۸ ماه بعد، پس از درخواست تجدیدنظر موفقیت آمیز باشگاه فرانسوی از دادگاه عالی ورزش، مختومه شد چون این باشگاه دادگاه را قانع کرد که هزینه این نقل و انتقالات با قراردادهای حمایت مالی با شرکت‌هایی متنوع مانند شرکت توربسم قطر، بانک ملی قطر و شرکت مخابراتی قطری به نام اوردو (Ooredoo) پرداخت شده است.

این برای راضی کردن ابو لترمه، بازرس مالی یوفا، کافی بود که ترجیح داد از تحلیل انجام شده از سوی پی‌اس‌جی درباره این قراردادهای حمایت مالی به جای تحلیل‌هایی استفاده کند که توسط یوفا به اوکتاگون ورلدواید، شرکت بازاریابی ورزشی، سفارش داده شده بود. به گزارش نیویورک تایمز، اوکتاگون ارزش قرارداد ۱۰۰ میلیونی توربسم قطری را به دلیل عدم شفافیت کمتر از ۵ میلیون یورو تعیین کرده بود اما لترمه رقم (به شکلی قابل توجه) بالاتری را تأیید کرد و پی‌اس‌جی میرا شد- در کمال ناباوری راسیسودا دو کونا رودریگز، مدیر اتاق بررسی کنترل مالی یوفا، که تصمیم مختومه کردن پرونده را «کاملاً اشتباه» خواند.

و وقتی مسی روز چهارشنبه در پاریس قدم می‌زد، ناصر الخلیفی، رییس پی‌اس‌جی، از «شرکای تجاری که از روز اول به پروژه ما باور داشتند» سپاسگزاری کرد. این شرکای تجاری شامل شرکت توربستی ویزیت قطر، اوردو، بانک ملی قطر، خط هوایی قطر، شرکت طب ورزشی به نام اسپتار، تلویزیون bein و گروه هتل فرانسوی به نام اکر هستند که با کمپانی گردشگری کاتارا همکاری دارند که مالکیت آن بر عهده پاری‌سن‌ژرمن است. تمام این قراردادهای حمایت مالی به نوعی فریب‌دهنده است.

پیرس مورگان، مجری تلویزیون انگلیس، روز گذشته تویت کرد که پی‌اس‌جی «پول خرید مسی را با فروش پیراهن در شش ماه برخواهد گرداند. عجب تجارتی»، نه، این اتفاق رخ نخواهد داد. آنها پس از تاحد قابل توجهی با قراردادهای حامیان مالی از دولت قطر بار دیگر پس می‌گیرند. یوفا که قصد داشت یک دهه پیش از رخ دادن چنین اتفاقی جلوگیری کند، حالا شانه بالا می‌اندازد و به این نتیجه می‌رسد که مشکلی وجود ندارد.

منچسترسیتی هم به دلیل نقض قوانین فریلی مالی در فوریه ۲۰۲۰ به دو سال محرومیت از مسابقات باشگاهی یوفا و ۳۰ میلیون جریمه محکوم شد چرا که در دستکاری حساب‌ها و عدم همکاری در تحقیقات مربوط به اتهام منتشر شده در «قوتی لیکز» منهم شناخته شد. اما پنج ماه بعد، هیئت ژوری سه نفره در دادگاه عالی ورزش قهرمان فعلی لیگ برتر را از اتهام اصلی (اغراق در درآمد) با رای یک در برابر دو تیره و نه محرومیت را لغو کردند. بعضی از اتهامات شامل مرور زمان و خارج از اساس‌نامه محدودیت یوفا دانسته شد و دیگر اتهامات نیز به اثبات نرسید. در حالی که سیتی جشن گرفته و پپ گواردیولا، سرمربی تیم، خواهان عذرخواهی منتقدان باشگاه بود، بورگن کلوپ، همتای او در لیورپول، این روز را «روز بدی برای فوتبال» خواند. این اتفاق نشان‌دهنده تضاد در بحث پیرامون فریلی مالی است. و گاهی به نظر می‌رسد که موضوع بیشتر به وفاداری باشگاهی تقلیل یافته تا این که به بحث فلسفی صرف درباره حسن‌نیت نظام سرمایه‌داری بازار آزاد- حتی اگر پول از اقتصادهایی آمده باشد که چندان لیبرال نیستند- در برابر قوانین سختگیران‌ای تبدیل شود که فوتبال اروپا بیش از یک قرن به خوبی با آن

اسطوره بیلسا در لیگ برتر با اینها شکل گرفت؛ سطل و نیم خیز نشستن

شما او را می‌بینید که کنار خط طولی زمین در رفت و آمد است، قطره‌های باران روی شیشه‌های عینکش دیده می‌شود، مغز تاکتیکی‌اش در حال بررسی دقیق تمامی زوایای زمین است و سپس آن لحظه فرا می‌رسد: نشتون همیشه کنار زمین به جای هدایت می‌خیز.

مارسلو بیلسا به ویژگی‌های غیرعادی زیادی معروف است- لقب او ال‌لو کو بیلسا به معنای مرد دیوانه است- اما آشکارترین آنها مطمئنا عادتش در اجتناب از نشستن روی نیمکت برای قرار گرفتن در کنار زمین با تکیه بر ران‌ها در حالی است که دستانش بین دو زانو قلاب شده است؛ درست در حالتی که یک لوله‌کش برای بررسی مشکل ماشین لباسشویی می‌نشیند.

حالت نشستن غیرعادی سرمربی لیدز به امضای او تبدیل شده و نه تنها بین هواداران این تیم بلکه به صورت کلی در بین هواداران فوتبال هم محبوب است. این حالت بخش زیادی از جایگاه مکتب او در این بازی هم حساب می‌آید.

این مکتب بیلساایسم به طور خاص از کجا آغاز شد؟ و من بسیار دوست دارم بدانم که این مرد ۶۶ ساله چطور می‌تواند مدت زمانی طولانی در چنین حالتی باقی بماند؟ در حالی که زانوهای من پس از چند ثانیه خشم شدن برای گردگیری چنان منقبض می‌شود که دیگر قادر به ایستادن نیستم

تیم ریج که کتابی درباره بیلسا نوشته (به نام کیفیت جنون که عکس روی جلد آن بیلسا را در حالت نیم‌خیز نشان می‌دهد) به من می‌گوید که باور دارد این حالت زمانی شروع شد که بیلسا هدایت مارسر را در سال ۲۰۱۴ بر عهده گرفت:«او پیش از آن به حالت خمیده نمی‌نستست، صرفا طول کاری را می‌کرد که بیشتر سرمربیان انجام می‌دهند و کنار خط طولی می‌ایستاد گاهی با ز دست دادن کنترلش به سمت سکوها می‌رفت.»

اما نیمکت‌ها در استاد ولدرورم، ورزشگاه مارسر، بسیار پایین هستند و بیلسا شروع به نشستن روی جعبه یخ در کنار زمین کرد:«با نشستن در آن نیمکت دید خوبی به زمین ندارید و بیلسا خیلی زود روی جعبه یخ نشست تا شبیه پالتونو نیروهایش را هدایت کند.»

یک بار اتفاقی ناگوار پیش آمد و بیلسا بدون این که متوجه لیوان قهوه داغ دستپارشی روی جعبه یخ شود، روی آن نشست. شاید ناراحتی و درد ایجاد شده از همین اتفاق بود که باعث شد بیلسا شروع به نشستن به حالت نیم‌خیز کنار زمین یا نشستن روی جسمی سخت کند. در زمان پوستن او به لیدز این در سال ۲۰۱۸، این عادت عجیب تثبیت شده بود. بیلسا وقتی که نتوانست بهترین تاثیرگذاری را در حالت

یک دهه بعد از اجرای فریلی مالی؛ چرا پی‌اس‌جی می تواند با مسی قرارداد امضا کند اما بارسا نه؟



ادامه حیات داد تا این که پول نفت باعث نگرانی باشگاه‌های مطرح قدیمی شد. (هرچند این موضوع آنها را به اندازه کافی ناراحت نکرده تا این باشگاه‌ها را از قراردادهای تجاری عجیب با خط هوایی قطر، مخابرات سعودی یا چیزهایی شبیه به این منع کند).

هرچند ورای این سازمان‌ها و تشکیلات، نیاز جدی در فوتبال اروپا برای مواجهه با سوالات بسیاری که درباره مالکیت، قوانین، شفافیت، توزیع ثروت و کمبود آشکار تعادل رقابتی با آنها روبرو است، وجود دارد.

آیا هرکس باید اجازه داشته باشد که باشگاه فوتبالی را بدون توجه به محل کسب پول، بدون توجه به انگیزه‌ها، اهداف و میزان تعهد خریداری کند؟ آیا نباید تعهدی سراسر ورزشی برای توزیع مساوی‌تر ثروت به جای ایجاد موقعیتی وجود داشته باشد که در آن استعدادهای بیشتر و بیشتری از سراسر جهان در چند باشگاه برتر اروپا جمع می‌شوند؟ چطور به نفع فوتبال خواهد بود که باشگاهی که بلندپروازی ژئوپولیتیکی کشوری به سابقه بسیار بد در حقوق بشر را پیش می‌برد، بتواند به قدرت بزرگ ورزشی در دوران مدرن تبدیل شود؟

یا همانطور که سایمون جردن، مدیر سابق کریستال پالاس، در رادیوی تاک اسپورت این هفته با اشاره به حضور مسی در پی‌اس‌جی، گریلش در سیتی و روملو لولاکو در چلسی گفت «آیا ما می‌خواهیم این بی‌قید و بندی از جنون مالی ادامه داشته باشد که به افرادی خاص اجازه خرید باشگاه‌های فوتبال را می‌دهد که دغدغه فوتبالی ندارند؟ آنها باشگاه‌ها را می‌خرند چون برنامه مالی همیشگی در آن وجود دارد که با ثبات و بازاری سو آنها سازگار است. این شاید به این معنا باشد که در کوتاه‌مدت و بازه زمانی ۱۵ تا ۲۰ ساله، این باشگاه‌ها سود کنند. اما معنای واقعی این است که هرم فوتبال از هم می‌پاشد. این هرم غیرقابل پایدار می‌شود یا پایداری‌اش فقط برای افرادی است که پول لایتنهای دارند»

و این زمانی در تاریخ فوتبال است که بالاخره بررسی موشکافانه و حساسرسی از حساب‌های مالی بیش از هر زمان دیگری انجام می‌شود. شاید این سوال برای شما پیش بیاید که شرایط در یک دهه گذشته چقدر پر هرج و مرج می‌شد اگر بعضی از این سیستم‌های مالکیتی بسیار متفاوت به حال خود رها می‌شدند و نگرانی از بابت قوانین کنترل هزینه با وجود تمام بی‌اثر بودنش نداشتند.

لحظه‌ای در سال گذشته که سیتی هم در دادگاه عالی ورزش در شهر سویسی لوزان مانند پی‌اس‌جی به پیروزی رسید- و هنوز مهم‌ترین لحظه هر دو باشگاه برای کسب موفقیت در لیگ قهرمانان است- به نظر می‌رسید که شکل اصلی فریلی مالی تقریبا بدون معنا رها شده است. همانطور



که کلوپ گفت «ما می‌دانیم که این روز خوبی برای فوتبال نیست که همه باید جشن بگیریم و فکر کنیم بالاخره می‌توانیم هرچقدر می‌خواهیم هزینه کنیم».

یا همانطور که ژوزه مورینیو، سرمربی وقت تاتنهام، گفت کار فریلی مالی تقریبا به پایان رسیده «چون دیگر هیچ جایی ندارد. وقتی می‌گویم فریلی مالی باید به پایان برسد، به این دلیل نیست که با اصول اساسی مخالف هستم. به این دلیل است که با این سیرک موافق نیستم. بنابراین اجازه دهید درهای سیرک را باز کرده و به مردم اجازه دهیم لذت ببرند، پول نده، وارد شو، بیرون بیا، هرکاری دوست داری انجام بده. وارد می‌شوم و منتظر نمایش دلقک می‌مانم و خارج می‌شوم چون به نمایش اسب علاقه‌ای ندارم. من می‌روم و می‌ایم. هیچ کنترلی وجود ندارد.»

به نظر می‌رسید که مورینیو بیشتر به عنوان سرمربی درآمده تاتنهام حرف می‌زند تا سرمربی پر هزینه و با چشمان درخشانی که در اواسط دهه ۲۰۰۰ روی نیمکت چلسی قرار داشت. او شبیه کسی بود که حس می‌کند فریلی مالی با حسن‌نیت شکل گرفته اما مفهومی ناقص دارد و جواب نداده پس باید ملغی شود.

این می‌تواند قدم بعدی فوتبال باشد. یوفا پیش از این به عنوان اقدامی اضطراری، از سختگیری فریلی مالی کمی کاسته تا اعتناظ‌پذیری و آزادی عمل بیشتری به باشگاه‌های دهد که زیر فشار شیوع ویروس کرونا قرار دارند. قانون‌گذاران فوتبال اروپا همچنین روند رایزنی درباره چگونگی اصلاح قوانین مالی‌ای را شروع کرده‌اند که بسیاری باور دارند در توافقی با اتحادیه باشگاه‌های اروپایی از سختگیری کمتری برخوردار خواهد شد… و بر حسب اتفاق، این اتحادیه از ماه آوریل توسط الخلیفی، بی اس جی اداره می‌شود.

برخی منابع مدعی هستند که قوانین مالی مطرح شده در ایده سوپرلیگ باعث کاهش قدرت و زمامداری مالکان یا پشتوانه دولتی در باشگاه‌هایی چون سیتی و پی‌اس‌جی می‌شد. البته پی‌اس‌جی دعوتنامه سوپرلیگ را رد کرد- و به نظر می‌رسد این کار به جای مخالفت با اصول، بیشتر به واسطه حفظ ظاهر دیپلماتیک در فاصله زمستان حال تا برگزاری جام جهانی قطر در نوامبر و دسامبر سال آینده میلادی انجام شده است. پس از یک دهه جنگ قدرت باشگاه‌های بزرگ به اندازه رقابت در زمین، آنها در نهایت با الخلیفی روبرو هستند که به عنوان قدرتمندترین شخصیت در فوتبال اروپا ظاهر شده و با قطری که جایگاهش را در مرکز فوتبال اروپایی و جهانی مستحکم می‌کند.

در ماه‌های پس از فروپاشی طرح سوپرلیگ، زمزمه‌هایی درباره تلاش مجدد باشگاه‌های مطرح و قدیمی برای محدودیت دستمزد به گوش می‌رسد- محدودیتی نه چندان شدید بلکه محدودیتی که با شفافیت بیشتری هزینه دستمزد در مقابل درآمد

نشسته بدون تکیه دادن مانند رودین متفکر اعمال کند، تصمیم گرفت روی سطلی برعکس شده بنشیند. مدیران لیدز خیلی زود سطلی خاص به همراه کوسن و آرم باشگاه تهیه کردند. حتی سطل‌هایی شبیه به این برای فروش در فروشگاه رسمی باشگاه قرار گرفت- به قیمت ۸۰ پوند. (ریج می‌گوید: بیلسا باعث خوشحالی تولیدکنندگان سطل در بوركشایر شد.) اندرود نیمکتی فرو رفته شبیه به ورزشگاه مارسر دارد. ریج به من یادآوری کرد که الکس فرگوسن جایگاه نیمکت اولدترافورد را بازسازی کرد- محل نیمکت میزبان کمی بالاتر از نیمکت مهمان قرار گرفت تا سرمربی از مزیت کمی بهره‌مند باشد. اوله گونار سولسشر در انتهای جایگاه کنار زمین قرار می‌گیرد تا دید بالاتری داشته باشد و فرگوسن نیز پیش از او همین کار را انجام داد.

پس کمی عجیب است که بیلسا می‌خواهد مطمئن باشد که در نیمکتی فرو رفته قرار نمی‌گیرد- اما چنان خمیده می‌نشیند که می‌تواند بوی چمن را حس کند. اما شاید انگیزه‌های دیگری وجود داشته باشد. این مربی آرژانتینی از خانواده‌ای سیاستمدار آمده- ریج طایفه آنها را به سلسله نب در انگلیس تشبیه می‌کند- بنابراین بیلسا قدرتی که صندلی‌ها و نمادهای می‌توانند به صورت آشکار یا غیر آشکار باشند را تشخیص می‌دهد.

موضوع دیگری که از جذابیت کمتری برخوردار است، این است که بیلسا از قدم با مشکلات کمر روبرو بوده است. او ترجیح می‌دهد به جای راندگی کردن تا زمین تمرین باشگاه قدم بزند که به او کمک می‌کند. این نظریه هم مطرح شده که نشستن به حالت خمیده کنار زمین به کاهش درد و کشیدگی کمک می‌کند. ریج همچنین به این نکته اشاره می‌کند که بیلسا در هنگام دراز کشیدن به صورت دمر درد بسیاری را متحمل می‌شد و از زمانی که در کنار زمین به صورت خمیده می‌نشیند آرام‌تر شده است.

با این حال من هنوز به شدت تحت‌تاثیر این موضوع هستم که او از نظر فیزیکی قادر به مدیریت این شرایط است. از استیو کالفیلد، مربی شخصی در بروملی لندن، که چنان ران‌هایی دارد که می‌تواند هندوانه را بشکند، سوال کردم. کالفیلد به این موضوع اشاره کرد که بیلسا به عنوان یک بازیکن سابق احتمالا حس قدرت، تناسب و جاگیری را از سنین کم تقویت کرده است.

کالفیلد می‌گوید:“ به نظر می‌رسد که بیلسا اعتناظ‌پذیری بسیار خوبی از ناحیه گردن ران دارد و نشستن نیم‌خیز پایین به قدرت مفاصل‌های ران، زانو‌ها، کمر و مچ پای‌ای او بستگی دارد.” او با نظریه کاهش درد کمر موافق است:“ این حالت می‌تواند برای او بسیار راحت‌تر

باشگاه را مشخص کند.

پیگیری این موضوع ارزشش را دارد اما قوانین مالی هرگز نباید دست و پای باشگاه‌های برتر را ببندد. این قانون همچنین نباید هزینه‌های افراطی باشگاه‌های پر هزینه را تحت کنترل خود درآورد که به لطف قراردادهای گزاف حامیان مالی از قطر و ابوظبی خود را در بین باشگاه‌های برتر جا داده‌اند. هدف اینجا تبدیل شدن به چیزی فراتر از این است. به قول مالکان اهل ابوظبی سیتی، این کار به جای مچ‌اندازی، به روشی همه جانبه‌تر نیاز دارد.

فریلی مالی باید درباره محافظت باشد: مراقبت از تعادل رقابتی به جای فرسایش آن و محافظت از باشگاه‌ها در برابر افراط، چه این افراط هزینه لجام گسیخته باشد و چه نوعی از فشار مالی باشد که توسط خانواده گلپیز در ۱۶ سال گذشته از زمان حضورشان در این باشگاه به منچستربیونایتد تحمیل شده است. فریلی مالی باید یک خیابان دوطرفه باشد.

گسترش این فاصله بین باشگاه‌های برتر ثروتمند و سایرین یعنی این فاصله تنها با سرمایه‌گذاری در مقیاس انجام شده در پی‌اس‌جی و سیتی پر می‌شود و چنین اتفاقی جایی در انصاف و عدالت نداشت. ده سال پس از توضیح پلاتینی درباره شرایط فوتبال بر سه میز صبحانه در مونتنه کارلو، چراغ‌های قرمز شدیدتر از هر زمان دیگری روشن شده‌اند. فریلی مالی تا حدودی موفق بوده اما بسیاری از چالش‌هایی که فوتبال یک دهه پیش از آنها روبرو بوده، شکست خورده یا کاملا نادیده گرفته شده است.

نمی‌توان این موضوع را درنظر نگرفت که در حالی که اصول فریلی مالی مهم بود اما نسخه خودخواهانه آن که مورد تأیید باشگاه‌های مطرح و مرفه‌ش بود- آنها که مشکل بدهی را کاملا نادیده گرفته، هرگز نگرانی از این بابت نداشتند که آیا هزینه‌های با تضمین داده شده از سوی مالک برابری دارد یا خیر، هرگز به برطرف کردن نابرابری بین خوششان و سایرین فکر نکردند، هرگز به این سوال اساسی که یک باشگاه چیست و چه اهدافش چه باید باشد، فکر نکردند- در نهایت به موقعیتی ختم شد که از ۱۰ سال قبل نیز پرفشارتر و دشوارتر است.

مسیر این سفر نگران‌کننده است. این مورد درباره سرعت تغییر و این احساس هم صدق می‌کند که افراد پشت رسوایی سوپرلیگ خیلی زود تا نبرد دیگری بازخواهند گشت و این بار برنامه کارآمدی در اختیار خواهند داشت. اگر به ۱۰ سال پیش نگاه کنید، می‌بینید که موقعیت ایجاد شده توسط فریلی مالی به هدر رفته است. این برنامه سطحی از ثبات را به ارمانگن آورده که از سوی بعضی باشگاه‌ها حس می‌شود اما در بین باشگاه‌های بزرگ همیشه تأکید زیادی روی نبرد با باشگاه‌هایی خاص و حفظ حریم و جایگاه به جای تلاش برای ساختن بازی بهتر، مساوی‌تر و دموکراتیک‌تر جریان داشته است.

در نهایت دهه از دست رفته می‌تواند در اتفاقات هفت روز گذشته خلاصه شود: بارسلونا پس از سال‌ها هزینه قلاب توجه، در نهایت مسی را به عنوان بازیکن آزاد به باشگاهی با مالکیت دولتی باخت که در دو سال آینده، ۷۵ میلیون یورو شامل رقم ۲۵ میلیون یورو برای ثبت قرارداد به او پرداخت خواهد کرد.

این حتی برای بازیکنی با چنین استعداد بی‌نظیری هم ناپسند است اما بار دیگر مسائل زیادی درباره افراط فوتبال مدرن وجود دارد. و هنوز این احساس پاپرجاست که شاید بارسلونا می‌توانست از این مخصمه رها‌شود اگر پول کافی برای استخدام بهترین مشاوران حقوقی باقی مانده بود. افسوس که به نظر می‌رسد پی‌اس‌جی و سیتی همه آنها را هم به خدمت گرفته‌اند. همان بازی قدیمی جالب.

اخبار

رابطه مستقیم ضربات سر و دیمینشا؛

ابتلای یک اسطوره دیگر فوتبال به زوال عقل

تری مک درموت که با لیورپول سه عنوان قهرمانی در سطح اروپا و پنج قهرمانی در لیگ برتر به دست آورد، جدیدترین ستاره فوتبالی است که به زوال عقل مبتلا شده است.

مک درموت که به دلیل سبک بازی اش که برای فرمزها هافبکی پرکار و همه فن حریف در میانه میدان بود، هنوز در مرسی ساید مورد احترام است. این اسطوره فوتبال پس از انجام چندین آزمایش متوجه شد در مراحل اولیه زوال عقل با اجسام لویی Dementia with Lewy bodies (DLB)، قرار دارد که بیماری دیمینشا همراه با پارکینسون است.

صحبت های مک درموت درباره ابتلا به این بیماری تنها چند روز پس از آن مطرح شد که دینیس لا، ستاره سابق منچستربیونایتد، هم اعلام کرد که مبتلا به آلزایمر و زوال عقل عروقی شده است.

اما مک درموت مصمم است که کار خود را به عنوان میزبان روز بازی های لیورپول ادامه دهد و پیغام های متعددی حمایت گرانه ای از هم تیمی های سابق خود در آنفیلد دریافت کرده است که برخی از آنها خود نیز دچار مشکلات سلامت شده اند.

او در بازی دیروز مقابل برنلی در آنفیلد حضور داشت. باشگاه فوتبال لیورپول نیز اعلام کرده است که هر کمکی که لازم باشد به این بازیکن سابق خواهد کرد.

در ماه های اخیر محققان ارتباط مستقیمی بین ضربات سر در فوتبال و ابتلا به زوال عقل در سنین بالاتر کشف شده است.

در این تحقیق از ۶۶۷۶ بازیکن سابق فوتبال که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند، پنج درصد (۲۸۶ نفر) مبتلا به بیماری های عصبی بودند، در حالی که تنها ۱٫۶ درصد (۳۶۶ نفر) از ۲۳۰۲۸ نفر گروه کنترل، دچار این بیماری ها شده بودند.

این مطالعه به این نتیجه رسید که این خطر نسبت به پست های بازی و طول مدت زمان بازی حرفه ای متفاوت است. مدافعان ۵ برابر بیشتر از افراد عادی در معرض ابتلا به بیماری های عصبی هستند، در حالی که دروازه بان ها کمترین میزان خطر را دارند.

اتحادیه فوتبال انگلیس و لیگ برتر نیز با انتشار دستورالعملی، در مورد زدن ضربات سر در تمرینات به باشگاه ها هشدار دادند. این خط مشی جدید به تیم ها توصیه می کند که تعداد سر زدن ها را به ۱۰ ضربه سر در هفته محدود کنند. این راهنما برای تیم ها در تمام سطوح بازی صدق می کند. «توصیه می شود که حداقل ۱۰ ضربه سر قوی در هر هفته تمرینی انجام شود.

این توصیه برای حفاظت از سلامت بازیکنان ارائه می شود و به طور منظم مورد بازبینی قرار می گیرد تا تحقیقات بیشتری برای اثرات بیشتر در مورد تاثیر سر زدن در فوتبال انجام شود.»

تعداد فوتبالیست های سابقی که به زوال عقل مبتلا می شوند ترسناک است؛ نسلی از بزرگان گذشته فوتبال انگلیس از جمله سر بایی چارلتون قهرمان جام جهانی انگلستان، نوبی استایلز، جک چارلتون و مارتین پیترز همگی مبتلا به زوال عقل شدند و سه نفر آخر فوت کرده اند.

توضیحات علیرضا جهانبخش درباره کمک به فیلمبردار بازی فاینورد

بازیکن ایرانی تیم فوتبال فاینورد درباره اتفاق ویژه بازی این تیم مقابل الفسبورگ سوئد توضیحات ارائه کرد.

تیم فوتبال فاینورد شب گذشته در مسابقات لیگ کنفرانس یوفا موفق شد با نتیجه ۵ بر صفر تیم الفسبورگ سوئد را از پیش رو بردارد. گل دوم فاینورد در دقیقه ۳۰ توسط علیرضا جهانبخش بازیکن ایرانی این تیم به ثمر رسید.

اتفاق ویژه این مسابقه اما دقایقی پیش از گل جهانبخش رخ داد. یکی از بازیکنان تیم الفسبورگ وقتی به پاس هم تیمی خود رسید، توپ را محکم به سمت تماشاگران فاینورد شوت کرد و در ادامه به دوربین کنار زمین برخورد کرد. همین مسئله باعث شد تا دوربین به زمین بیافند.

علیرضا جهانبخش که در نزدیکی این صحنه قرار داشت، به سمت فیلمبردار رفت و کمک کرد تا دوربین دوباره در جای خود مستقر شود.

جهانبخش در پایان این مسابقه درباره کمک کردنش به فیلمبردار گفت: کار آن پسر (بازیکن الفسبورگ) خیلی هوشمندانه نبود. بعد از اتفاقی که رخ داد فکر کردم که باید به فیلمبردار کمک کنم. سعی کردم پدرسن هم لحظاتی کمک کرد. سعی کردم دوباره دوربین را عمودی قرار بدهیم. من باید به (فیلمبردار) کمک می‌کردم و این کار را انجام دادم.

بازیکن ایرانی فاینورد درباره برد پر گل تیمش هم تصریح کرد: بازی فوق العاده ای بود. در نیمه اول سه گل زدیم و در نیمه دوم به گلزنی ادامه دادیم. ما خوب کار کردیم و بهتر از این نمی‌شود اما بازی برگشت در چمن مصنوعی دشوار است.

جهانبخش افزود: نمی گویم بازی برگشت آسان است. با تمام توان برای برد به زمین می‌رویم و سعی می‌کنیم با بسته نگه داشتن دروازه خود به مرحله گروهی راه یابیم.